

به زیر مقنعه

بررسی جایگاه زن ایرانی
از قرن اول هجری تا عصر صفوی

بنفشه حجازی



قصیده سرا



قصیده سرا

تلفن: ۶۶۵۱۷۷۲۳

به زیر مقنعه

بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی

بنفشه حجازی

طراحی جلد: شبنم راجی کرمانی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

۱۶۰۰۰ تومان

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com



آشیا

مرکز بخش: ۶۶۹۶۵۳۷۷

سرشناسه	حجازی، بنفشه، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	به زیر مقنعه: بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی / بنفشه حجازی.
مشخصات نشر	تهران: قصیده سرا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۰۰ ص.
شابک	۹-۹۶-۸۶۱۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی
موضوع	زنان -- ایران -- تاریخ -- زنان ایرانی
موضوع	زنان -- ایران -- مسائل اجتماعی و اخلاقی
مرده بندی کنگره	HQ ۱۷۳۵/۲ ج ۳ ۹ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	۳۰۵/۴۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۷۸۵۱۲

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
	بخش اول
۲۳	چهره‌ی فرهنگی زنان
۲۵	تحقیق تاریخی زنان
۴۳	ضرب‌المثل‌هایی راجع به زنان
۴۵	احترام به زنان
۵۵	مدایح و مراثی
۵۷	گفتار بزرگان
۶۰	فعالیت‌های فرهنگی زنان
۶۰	زنان محدثه
۶۴	زنان متجهم
۶۶	عرفای زن
۶۹	گفته‌های زنان عارف
۷۱	شاعران زن
۷۸	رابعه قزدار
۸۰	مهستی گنجوی
۸۳	پادشاه خاتون کرمانی
۸۴	جهان ملک خاتون
۸۹	زنان خطاط
	بخش دوم
۹۱	چهره‌ی خانوادگی زنان
۹۳	ازدواج
۹۶	مهریه
۹۹	جهیزیه
۱۰۱	شیربها
۱۰۱	اختلاف سن ازدواج
۱۰۴	مراسم خواستگاری
۱۱۰	مراسم ازدواج
۱۱۴	دلایل ازدواج‌های سلطنتی
۱۲۲	شوهر دادن زن پدر
۱۲۳	شوهر دادن زن برادر
۱۲۳	شوهر دادن خاله و دایه
۱۲۳	ازدواج با زن برادر
۱۲۳	ازدواج با دو خواهر
۱۲۴	ازدواج با عمه و برادرزاده
۱۲۴	ازدواج با محبوبه عمو و دختر عمو
۱۲۴	تعدد زوجات
۱۲۷	واکنش زنان در مقابل تعدد زوجات
۱۳۰	طلاق
	بخش سوم
۱۳۵	چهره‌ی جنسی زنان
۱۳۷	نبود امنیت جنسی
۱۴۳	روسیگری و لواطه
	کشته شدن زنان به دست شوهران، دشمنان و
۱۴۹	فاتحان
۱۵۳	انتقام زنانه
۱۵۷	قساوت زنان
	بخش چهارم
۱۶۱	چهره‌ی سیاسی زنان

۲۳۵	استقلال مالی زنان و درآمدها	۱۶۳	حکومت زنان
۲۳۸	اقدامات عمرانی زنان	۱۷۸	تأثیر مذهبی زنان
۲۳۹	خوارزم	۱۸۱	مشورت با زنان و استشفاع آنان
۲۳۹	بلخ و هرات		بخش پنجم
۲۳۹	سمرقند	۱۹۳	چهره‌ی اجتماعی زنان
۲۴۰	بخارا	۱۹۵	حضور زنان در مجامع
۲۴۰	بغداد	۲۰۰	زنان و جنگ
۲۴۰	حلب	۲۰۵	وضع زنان در جنگ
۲۴۱	دمشق	۲۱۳	حجاب زنان
۲۴۱	نیشابور	۲۱۶	چادر در شعر شاعران
۲۴۲	سبزوار	۲۱۷	انواع چادر
۲۴۲	مشهد	۲۱۹	معجز
۲۴۳	یزد	۲۱۹	مقنعه
۲۴۵	کرمان	۲۲۰	سر آغوش
۲۴۶	شیراز	۲۲۰	روبند
۲۴۷	اصفهان	۲۲۱	نقاب
۲۴۸	قزوین	۲۲۱	برقع
۲۴۸	میانه	۲۲۱	ایازی (ایاسی):
۲۴۸	نیریز	۲۲۲	دیگر پوشش‌های زنان
۲۴۹	ساری	۲۲۲	پای‌افزار زنان
۲۴۹	لاهیجان	۲۲۲	زیورآلات زنان
۲۵۰	کار زنان	۲۲۴	چهره زنان در نقاشی ایران
۲۵۲	زنان و پزشکی	۲۲۸	نام‌های زنان
۲۵۳	زنان و پری‌داری و جادو	۲۲۸	القاب ملکه‌ها و پادشاه خاتونان
۲۵۴	زنان و تعبیر خواب	۲۲۹	القاب زنان شاعر
۲۵۴	زنان در موقوفات غازان‌خان	۲۳۰	نام‌های دختران و زنان
۲۵۵	زنان و موسیقی	۲۳۰	نام‌های جواری
۲۵۹	فهرست تصاویر	۲۳۰	نام‌های دیگر
۲۷۵	فهرست نام کسان		بخش ششم
۲۹۵	فهرست منابع و مآخذ	۲۳۳	چهره‌ی اقتصادی زنان

پیشگفتار

«... گذشته را به رنج توان یافت. به گشتن گرد جهان و رنج بر خویش نهادن و احوال و اخبار باز جستن یا کتب معتمد را مطالعه کردن و اخبار درست را از آن معلوم خویش گردانیدن... و اخبار گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر نشناسند: یا از کسی بیاید شنید و یا از کتابی بیاید خواند و شرط آن است که گوینده باید ثقة و راستگوی باشد و نیز خود گواهی دهد که آن خبر درست است و نصرت دهد کلام خدا آن را...»

تاریخ بیهقی

طی چند سالی که از انتشار جلد اول این مجموعه یعنی «زن به ظن تاریخ؛ جایگاه زن در ایران باستان»^۱ گذشت، بارها از خودم سؤال کردم انتشار مجدد این اطلاعات که هر یک در کتابی در حال خاک خوردن است چه فایده‌ای به حال زنان امروز جامعه‌ی ایران دارد؟ زنانی که با وجود سابقه‌ی قدیمی ناقص‌العقل معرفی شدن^۲، هر موقعیتی و فرصتی که یافته‌اند، نشان داده‌اند، سخنانی از این قبیل چقدر یاوه است. ولی، سؤال‌های خوانندگان محترم «زن

۱. چاپ دوم آن را با نام «زن تاریخ» انتشارات قصیده‌سرا به طبع رسانده است.

۲. ناصر خسرو قبادیانی؛

زنان را تا توانی مرده انگار
چرا مردان ره آنان گزینند

هرگزش کامل اعتقاد مکن

عاقلان نشنوند نقل زنان

به گفتار زنان هرگز مکن کار
زنان چون ناقصات عقل و دین‌اند
عبدالرحمان جامی (بهارستان)؛

عقل زن ناقص است و دینش نیز
آذریگدلی؛

گفت چون ناقص است عقل زنان

به خلق تاریخ» مرا به ادامهی کاری که قول انجام دادن آن را هم داده بودم، ترغیب کرد. بنابراین در این مجلد به بررسی وضعیت زنان ایرانی از قرن اول هجری تا سال ۹۰۸ هجری قمری که سال استقرار دودمان صفوی بر سریر حکومت ایران است، پرداخته‌ام که در واقع کار بررسی را به اوایل قرن دهم هجری محدود می‌کند.

نحوه‌ی بررسی در این کتاب بدین‌گونه است که مدارک تاریخی صحبت می‌کنند و چون فرض بر این بوده که بیش‌تر از خلال نوشته‌ها و شرح احوال افراد از حوادث تاریخی و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوره‌ی مورد بررسی آگاه شویم، از شرح و تفسیر مبسوط برای گرفتن نتایج دلخواه سود نجسته‌ام چرا که مصیبت‌نامه نوشتن یا شرح احوال شکوهمند آفریدن در سلیقه‌ی نگارنده نیست.

وضعیت زنان را در این دوره طی بخش‌هایی که در فهرست مطالب آورده شده، یک به یک در معرض دید قرار می‌دهم تا خوانندگان، خود حدیث مفصل این مجمل را دریابند. تذکر این نکته لازم است که این کتاب به هیچ‌وجه قصد پرداختن به سؤال‌هایی از قبیل سؤال‌های زیر را ندارد:

— آیا زن به خاطر این به‌وجود آمده که وسیله‌ی کامجویی مرد باشد؟

— آیا زن فطرتاً فروتر از مرد خلق شده است؟

— آیا ضعف جسمانی زن باعث عقب‌ماندگی و غیبت او از صحنه اجتماع شده است؟

— زن چه موقع می‌تواند یوغ محدودیت‌های غیرضروری و بی‌معنا را از دوش خود براندازد و شخصیت واقعی و مقام انسانی و اجتماعی حقیقی خود را کسب کند؟

بلکه، سعی شده است با «دریوزگی هفت شهر عشق بایگانی‌ها و منابع و مآخذ» و مراجعه به اسناد، تصویری واضح از وضعیت زنان ارائه شود تا علاوه بر روشن کردن گوشه‌هایی از تاریخ ایران، نحوه‌ی ساخت و پرداخت اسطوره فرودستی زن نیز معلوم شود؛ و سعی کرده‌ام از گنجاندن این اطلاعات در قالبی پیش‌ساخته و تحمیل عقیده و فکر خود بر خواننده اجتناب کنم؛ البته ادعای مصونیت از لغزش و خطا نیست ولی می‌توان گفت که بسیار کوشیده‌ام تا در نمایش این تصاویر از افراط مصون بمانم.

در انتخاب شخصیت‌ها به ملاحظات عینیت و توجه شده است و سرگذشت زنانی

انتخاب شده که به نحوی در آفرینش صفحه‌ای از صفحات تاریخ ایران، عاملی مؤثر بوده‌اند؛ رسوایی‌ها و فجایع و خطاهای تاریخی را افشا کرده یا خود موجب این فجایع بوده‌اند؛ پیروزی‌ها و شکست‌ها به خاطر آن‌ها صورت گرفته یا به تحریک و عاملیت آنان بوده است؛ سرگذشتشان عبرت‌آموز است؛ منسوب به شخصیت‌های بارز تاریخی هستند؛ در صفات نیک و بد انسانی، سرآمد اقربان بوده‌اند؛ القاب خاصی به دلایلی بدانان داده شده است؛ صاحب سبک، عنوان و مرتبه‌ای در زمینه‌های فعالیتی زمان خود بوده و یادگاری که روشنگر اوضاع و احوال آن دوران است از آنان به جای مانده؛ متفکر، عارف و خالق زیبایی و هنر بوده‌اند. گاهی نیز از زنانی نام برده شده که سرگذشتشان به نحوی به تاریخ ایران مربوط است؛ و در جای جای کتاب از وقایع مهمی که در آن، زنان، صدمات و لطامات شدید دیده‌اند نیز ذکری به میان آمده است.

از آن‌جا که اطلاعات این کتاب از منابع و مأخذ متعدد مربوط به ادوار و ازمه‌ی مختلف گرفته شده که در هر کدام، سبکی از نثر رواج داشته است، مجموعه‌ای از سبک‌های نوشتاری زبان فارسی ارائه می‌شود. در بخش «شاعران زن» گلچینی از اشعار زنان و در بخش «عرفای زن» جملات قصار یا گفته‌های عارفانه آن‌ها آمده است.

شاید در نگاه اول، جدا کردن بعضی از عنوان‌ها به نظر لازم نیاید ولی تقسیم‌بندی موجود سعی بر برجسته‌تر کردن اطلاعات تحت این عناوین داشته است.

در پاره‌ای موارد، اطلاعات آورده شده در تضاد و تخالف هستند که از جهت مقایسه همان‌گونه آورده شده‌اند. اختلافات کتاب‌های مختلف نه تنها به علت تحریفات آگاهانه نویسندگان و مورخین برای بهره‌برداری‌های مادی بوده که به دلیل اشتباهات نسخه‌پردازان نیز می‌باشد و به قول «ابومعشرالمنجم»: «بیش‌تر تواریخ فاسد ست از جهة آن‌که روزگار دراز آن را دریافتست و چون از لغتی و نبشته با دیگر لغت تحویل کرده‌اند، تفاوت افتادست و ناقلان سهو کرده‌اند».

و ما را باید با صورت اختلافات کاری نباشد بلکه با نگاه تیزبین، سعی بر یافتن حقایق مدفون کنیم، «چون هیچ واقعه نباشد از خیر و شر که سانح گردد که نه در عهد گذشته، مثل آن یا نزدیک بدان واقعه بوده است»، به سبب همین تداوم و تشابه اتفاقات باید از وقایع آتی،

پیش آگهی یافت و مانع شکست‌ها و سرگردانی‌ها و یأس‌ها و خسارت‌های انسان و جامعه بشری از پیش آمدن حوادثی نظیر آنان شد؛ هرچند در زمانی و شرایطی زندگی می‌کنیم که تجارب گذشته و روشنایی چراغ آن اگرچه لازم برای رهایی به آینده است ولی کافی نیست.

□

از آغاز سال ۱۲ هجری که اعراب وارد قلمرو ساسانیان در بین‌النهرین شدند تا سال ۳۱ که شاهنشاهی ساسانی سقوط کرد، اعراب به تدریج به سوی اعماق ایران به حرکت در آمدند؛ و پس از تسخیر پایتخت ایران، نهاوند، زنجان، قزوین، ری و قومس، همدان، قم، کاشان و اصفهان را تصرف کردند و از طریق بحرین و خوزستان نیز وارد پارس شدند و سپس به کرمان و سیستان رخنه کردند و سرانجام در سال ۳۱ هجری، خراسان را تصرف کردند. بلخ نیز در سال ۸۹ هجری مطیع شد. در بسیاری از شهرها، دهقانان زمیندار با سرداران عرب عهد بسته، مطیع ایشان شدند و پرداخت خراج را به عهده گرفتند مثل «مرزبان نیشابور که تعهد کرد هفتصد هزار درهم وجه و چهارصد کیسه زعفران بدهد»^۱.

این پیمان‌ها علی‌الرسم آزادی اعمال دینی ساکنان زرتشتی، مسیحی و یهود را تضمین می‌کرد، بنابراین دین اسلام به تدریج زرتشتیگری را طرد کرد و مسیحیت نیز اگرچه محدود و متوقف شد ولی این مسئله نیز به یکباره اتفاق نیفتاد؛ و به‌خصوص در زمان «خلفای اموی (۱۳۲ - ۴۱ ه.ق.) اسلام به‌کندی و سستی در ایران رواج یافت. و حتی در قرن چهارم هجری هنوز عده کثیری زرتشتی در ایران می‌زیستند»^۲.

در قلمرو اسلام در طی دو قرن نخستین، عقاید و آرا و مکاتب و تعابیر حقوقی گوناگونی به وجود آمد که با یکدیگر مباحثه و مناقشه و مخاصمه داشتند که در آن دوران تشخیص این‌که کدام عقیده بر حق است و کدام ارتداد شمرده می‌شود، دشوار بود و اصول لایتغیری که دقیقاً مدون شده و هم‌چون اصول برحق، مورد قبول باشد، وجود نداشت. قیام‌های ملی ضدخلفا نیز مانع استیلای حکومت‌های دمشق و بغداد بر ایران بود. سرکوب این قیام‌ها موجب انتقال قدرت و در نتیجه تغییر روش زندگی در مناطق مختلف ایران می‌شد. مذاهب مختلف نیز هر

یک در منطقه جغرافیایی تحت استیلای خود، حقوق جزایی و مدنی خاص خود را داشتند که اگرچه تفاوت فاحشی با هم نداشتند ولی در اموری مثل ارتداد یا نکاح^۱ و... متفاوت بودند، حتی بزرگانی که در مسائل حقوقی تابع یک مذهب بودند در موضوع الهیات، نظری مغایر عقاید آن مذهب اظهار می‌کردند.^۲

سقوط بغداد و حملات اقوام مختلف با اعتقادات مذهبی گوناگون و شاخص‌ترین آنان حمله مغول و یاسای چنگیزی‌اش، اوضاع نابسامانی به‌وجود آورده بود که تا زمان حکومت صفویان، ایرانی به عنوان یک محدوده‌ی جغرافیایی معین و تحت یک حکومت مقتدر سیاسی - مذهبی، معنایی نداشت. به این دلایل که گفته شد بررسی وضعیت زنان، تقریباً بدون توجه خاص به حکومت مذهب و فقه اسلام صورت گرفته است و مبحثی برای تذکر اصول و قوانینی که تنظیم‌کننده روابط جامعه و مردان با زنان و مسائل آنان بوده، در نظر گرفته نشده و گاهی اشاره‌ای رفته است.

۱. حنفیان و شیعیان، معتقد به اعدام مرد مرتد و زندانی کردن زن مرتد تا توبه‌ی او بودند ولی شافعیان و مالکیان و ظاهریان، مرد و زن، هر دو را به مرگ محکوم می‌کردند. در مورد نکاح به موجب فقه حنفی، مرد می‌تواند زن یهودیه یا مسیحیه را به عقد شرعی خود درآورد بدون آن‌که زوجه از دین خود خارج شود و دیگر مذاهب از آن جمله شافعیان این‌گونه نکاح را جایز نمی‌دانستند و در شیعه مزاجعت موقت یا صیغه مقطعه با ایشان را اجازه می‌دهد. همان منبع، ص ۱۸۲.

۲. خواجه عبدالله انصاری و عبدالقادر گیلانی در مسائل فقهی، حنبلی شمرده می‌شدند و در عین حال صوفی بوده‌اند باوجود مخالفت حنبلیان با تصوف. ابن‌العربی در مسائل فقهی، ظاهری مذهب و در عین حال صوفی افراطی وحدت وجودی و طرفدار پروپاقرص «تأویل» یا تمییر ایهامی قرآن بوده است. همان منبع،